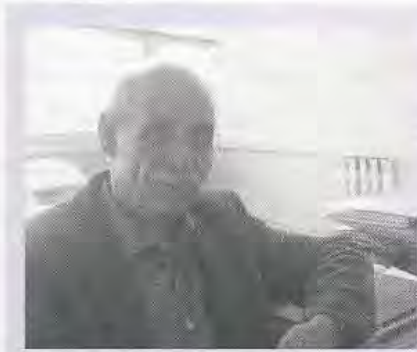




# گفت و گو

## گفت و گو با

### آقای دکتر سید محمد حسینی مصحح کتاب کشف الاسرار اثر میبدی



دکتر سید محمد حسینی، دکترای زبان و ادبیات عربی و استاد دانشگاه علامه طباطبائی است. وی تدریس خود را از سال ۱۳۳۹ از آموزش و پرورش و از سال ۱۳۵۰ در دانشگاه آغاز کرده است. هرچند تخصص ایشان زبان و ادبیات عربی است ولی از آنجا که همواره با زبان و ادب فارسی الفت داشته‌اند درسهایی بسیاری از زبان و ادب فارسی از جمله کشف الاسرار را تدریس کرده‌اند. وی در پروژه علمی خود و با همکاری دانشگاه علامه طباطبائی تصحیح کتاب کشف الاسرار را در دست دارد که تا کنون یک جلد آن آماده چاپ شده است.

این مسئله تصریح کرده و نوشته است: پیر طریقت، استاد خواجه عبدالله انصاری کتاب خود را بسیار مختصر نوشته است. از این رو بر آن شدم که این کتاب را با تفسیر و توضیح بیشتری تألیف کنم. بنابراین میبدی نه تنها در کتاب خود تفسیر استاد را به تفصیل بیان کرده و تقریباً تمام تفسیر را در کار خود آورده، بلکه کارهای ارزشمند دیگری نیز علاوه بر آن انجام داده است که به آن خواهیم پرداخت.

### روش میبدی در شیوه نگارش کشف الاسرار چگونه بوده است؟

روش میبدی در نگارش کشف الاسرار تا روزگار خود بی‌مانند است و شاید هنوز هم چنین باشد. وی کتاب آسمانی قرآن را در سه بخش بررسی و تحقیق کرده، به بیان روشن‌تر، تفسیر قرآن را از آغاز تا پایان قرآن در سه بخش آورده است. بخش نخست در چاپ شادروان حکمت با عنوان «النُّبُوءَةُ الْاُولَى» آمده. ولی در واقع این عنوان را در این چاپ افزوده است و در متن‌های خطی و نسخ کهن خطی کشف الاسرار این عنوان نیست.

### یعنی این عنوان را خود استاد حکمت ابداع کرده‌اند؟

نه، این انتخاب تنها کار ایشان نیست چون برخی

### در ابتدا خواهشمندم شمه‌ای کلی در معرفی کتاب کشف الاسرار بفرمایید.

به نظر نمی‌رسد حتی در رده‌های پایین آموزشی کسی باشد که کتاب کشف الاسرار را نشناسد. این کتاب در ۵۲۰ هجری توسط رشیدالدین میبدی به نگارش درآمده است که درج این تاریخ توسط نویسنده از امتیازات آن محسوب می‌شود. این تفسیر که از حدود ۴۰ سال پیش به اهل فرهنگ و فرهیختگان زبان و ادب فارسی در ایران و دیگر نقاط جهان تقدیم شده، نه تنها از متن‌های بسیار پربار و با ارزش زبان و ادب فارسی است بلکه به جهت پرداختن به تفسیر قرآن با روشی ویژه، یکی از متن‌های با ارزش فرهنگ اسلامی نیز به شمار می‌رود.

موضوع کتاب کشف الاسرار، تفسیر قرآن است. نویسنده کتاب، خواجه رشیدالدین میبدی، خود از شاگردان مبرز و بزرگ خواجه عبدالله انصاری است. در مقدمه میبدی بر این کتاب آمده است که خواجه عبدالله، استاد و پیر رشیدالدین میبدی تفسیری عرفانی بر قرآن کریم نگاشته و میبدی این تفسیر را، با توضیح بیشتری در کتاب خود آورده است. البته لازم است بگوییم که این مسئله هرگز بدین معنی نیست که این تفسیر کشف الاسرار که امروز در دست ماست همان تفسیر خواجه عبدالله است. در واقع می‌توان گفت: تنها خمیر مایه متن کتاب از خواجه عبدالله است. میبدی خود در مقدمه‌اش به

نسخه‌های متأخر نیز این افزوده را دارند. به عنوان مثال نسخه «ب» این عنوان را در جلد اول خود دارد ولی در جلد دوم ندارد. بنابراین بخش نخست از سه بخش این تفسیر، عنوان ندارد و من نیز در کار خود عنوانی بر آن ننهادم. این بخش به برگردان واژه به واژه و دقیق کلمات قرآنی پرداخته است. البته این کار را قرآن‌های مترجم دیگر پیش از ایشان نیز انجام داده‌اند. منتها ویژگی کار میبیدی در این بخش، به باور من در این است که وی سخت پافشاری دارد و مقید است بر اینکه معادل‌های فارسی سره برای واژگان عربی پیدا کند که از این جهت کار بسیار با ارزشی است. مرحوم استاد سادات ناصری این بخش از تفسیر میبیدی را با متن قرآن چاپ کرده است یعنی متن قرآن را به همراه برگردان میبیدی آورده‌اند که کار با ارزشی نیز هست. بنابراین بخش نخست از ابداعات میبیدی نیست و پیش‌تر هم انجام گرفته و اساساً هم تفسیر قرآن از آغاز به همین صورت بوده. یعنی چنانچه به سراغ کارهای کهن‌تر برویم می‌بینیم که قرآن‌شناسان بیشتر، به برگردان کلمات عربی همت گمارده‌اند و حتی در یکی از کهن‌ترین ترجمه‌ها از متن قرآن کریم یعنی ترجمه تفسیر طبری هم همین کار را کرده‌اند. این در حالی است که این کتاب زمانی به نگارش درآمده که باور مسلمانان بر روانبودن نگارش قرآن کریم به زبانی غیر از زبان عربی بوده است در آن زمان با استفاده از علماء ماوراءالنهر این کار صورت گرفته و مقالات بسیاری نیز در این زمینه نوشته شده و این قضیه را روشن کرده‌اند.

### آیا ترجمه واژه به واژه صرفاً اسامی یا افعال را دربردارد یا هر چیز حتی حرف‌ها را نیز دربر دارد؟

همه متن قرآن کریم واژه به واژه برگردان شده البته این به آن معنا نیست که همیشه یک واژه را آورده و معنایش را مقابلش بنویسند بلکه گاهی مثلاً نیمی از یک آیه را مترجم آورده و ترجمه کرده و یا یک کلمه و یا حتی گاه تمام آیه را آورده و سپس برگردان آیه را در ادامه‌اش می‌آورد. اینجا بد نیست اشاره کنم که دکتر زریاب خوبی نیز در مقالاتی اشاره کرده‌اند که ترجمه تفسیر طبری، ترجمه قرآن است با قصه‌ها و داستان‌های قرآن کریم و برگردان متن تفسیر طبری نیست. این نکته را من نیز در مقاله‌ای با عنوان «طبری بزرگترین مفسر جهان اسلام» که در مجله زبان و ادب دانشگاه علامه طباطبائی چاپ شده، آورده‌ام. به عقیده من ترجمه تفسیر طبری حتی خلاصه تفسیر طبری هم نیست بلکه ترجمه‌ای است از متن قرآن کریم به علاوه قصصی که در کتب تفسیر از جمله در تفسیر طبری آمده است.

بخش دوم این کتاب، تفسیری است که بعد از قرآنهاهی مترجم، هم در زبان عربی و هم در زبان فارسی معمول بوده است. به این معنی که چند آیه را می‌آورند و به تفسیر آن می‌پردازند که البته هر مفسری برای خود روشی دارد، مثلاً اگر از کهن‌ترین تفسیرهای شناخته شده و معروف شیعه بخواهیم نام ببریم، تفسیر التبیان فی تفسیر القرآن تألیف شیخ الطائفه (شیخ طوسی) است که از جمله تفسیرهای خوب، به زبان عربی است. یعنی بخش دوم تفسیر میبیدی که به زبان فارسی است، مانند تفسیر تبیان شیخ طوسی است و نیز مانند تفسیر مجمع البیان طبری است. البته بخش دوم بسیار مفصل است چرا که میبیدی اقوال مفسران، احادیث و شواهد دیگر و حتی گاهی برخی مسائل کلامی را نیز در این بخش آورده است. گاهی نیز به برخی اشاره‌های صرفی و نحوی و مسائل بلاغی روی می‌آورد. بنابراین بر روی هم بخش دوم، تفسیر مفصلی است از قرآن کریم به زبان فارسی.

سومین بخش تفسیر که از ویژگی‌های این تفسیر است، تفسیر اشاری یا به عبارتی تفسیر ذوقی است. در بخش دوم تفسیر، مفسر هر آنچه می‌داند براساس نگرش‌های شرعی فقها و اهل حدیث، در کلام خود آورده است. حال در بخش سوم نوع دیگری از تفسیر جریان دارد که در آن، تفسیر بر اساس ذوق مفسر نگاشته شده است. البته پیش از میبیدی این شیوه را استاد ابوالقاسم قشیری یا امام ابوالقاسم قشیری در تفسیر خود با نام لطائف الاشارات یا تفسیر قشیری به کار برده است.

### آیا این قسم تفسیر ذوقی تعارضی با تفسیر بخش دوم یا تفسیر به تعبیری عقلانی ندارد؟

نه، این تفسیر هیچ تعارضی با تفاسیر اهل فقه و اهل حدیث و متشرعان ندارد و یک عارف یا سالک راستین، ضمن پذیرش و باور بخش دوم تفسیر، به اشاره‌هایی پرداخته که در تفسیر عادی دیده نمی‌شود. به عنوان مثال این عربی نیز همین گونه است با این تفاوت که اشارات تفسیری این عربی به گونه‌ای است که به کلی روش خود را از دیگر تفاسیر جدا کرده است.

### آیا این بخش سوم از تفسیر، ادبیاتی عوام فهم دارد یا تنها اهل طریقت به فهم آن نائل می‌شوند؟

در واقع اینطور باید گفت که این تفسیر ذوقی میبیدی با زبان و اصطلاحات اهل سلوک و به زبان اهل ادب و ضمناً به زبانی تا اندازه‌ای روشن بیان شده است و متوسط مردم درس خوانده نیز این زبان را می‌توانند بفهمند. البته می‌دانید که این زبان یعنی زبان مردم روزگار خود میبیدی زبان دوره کهن است



و نهصد و اندی سال است که از روزگار این تفسیر گذشته. اصلاً به طور کلی عارفان، سالکان و اهل طریقت زبانشان به زبان مردم کوچه و بازار و عموم مردم بسیار نزدیک است و از این رهگذر خدمت بزرگی نیز به زبان و ادبیات فارسی به خصوص به زبان رایج مردم کرده‌اند. استاد گرانمایه آقای دکتر شفیعی کدکنی نیز به گمانم در مقدمه رباعیات عطار به این نکته تأکید کرده‌اند.

## آیا اصطلاحات صوفیه را نیز در بخش تفسیر ذوقی

می‌توان دید؟

بله کاملاً و حتی همه خلاصه‌ها و تدریس‌هایی هم که از تفسیر میبیدی انجام گرفته است و در حال حاضر نیز در دانشگاه‌ها به عنوان ۲ واحد درسی در مقطع لیسانس تدریس می‌شود، از همین بخش از تفسیر رشیدالدین میبیدی است.

**با توجه به اینکه تصحیح این کار پیش‌تر انجام شده، انگیزه و هدف جنابعالی برای تصحیح دوباره آن چه بوده است؟**

من به زبان و ادبیات فارسی علاقه فراوانی دارم در این میان متون عرفانی بسیار با ذوق من سازگارند. در دوره‌ای نیز که این درس را تدریس می‌کردم به این نتیجه رسیدم که می‌بایست کارهایی روی این متن انجام شود، متن چاپ شده کشف‌الاسرار دچار مشکلاتی است که می‌بایست حل شود. از طرفی چون در این تفسیر نمونه‌های عربی، جملات عربی، حدیث، سخنان مشایخ به زبان عربی و بیت‌های عربی فراوان آمده است، به این فکر افتادم که به تصحیح انتقادی این تفسیر یعنی تفسیری که به همت شادروان حکمت چاپ شده، بپردازم.

این طرح را حدود سه سال پیش به عنوان طرحی پژوهشی به دانشگاه علامه طباطبایی پیشنهاد کردم و طی مراحل این طرح تصویب شد. در این کار البته همکارانی نیز دارم هرچند تنی چند از همان آغاز کار عذر خواستند، ولی یکی دو تن از جمله دکتر منوچهر دانش‌پژوه و دکتر حائری همکاریشان را با من ادامه دادند. ولی پیداست که کار را خود من می‌بایست به انجام رسانم چرا که تنها ۵۰ صفحه از آغاز جلد دوم را با آقای دانش‌پژوه مقابله کردم که برای ادامه به جهت مشکلاتی که وجود داشت و عدم امکان تطبیق برنامه‌هایمان، ممکن نشد که این مقابله را با هم انجام دهیم. ولی در نظر دارم که به خواست خداوند مقابله را در صورت امکان با ایشان ادامه دهیم.

## از چه زمانی این کار را شروع کردید؟

این کار را من از سه سال پیش آغاز کردم که به جهت گستردگی کار و روش خاصی که من در این تصحیح اتخاذ کرده‌ام پیشبرد کار به کندی است. حدود یک سال و نیم است که جلد اول با تمام کارهایی که دارد به پایان رسیده و با تنظیم یادداشت‌های آن، آماده چاپ خواهد بود. جلد دوم هم در حال نزدیک شدن به صفحه ۳۰۰ است.

## جلد اول که آماده چاپ است دربردارنده چه

سوره‌هایی است؟

جلد اول تنها دربردارنده سوره حمد و سوره بقره می‌باشد، حتی سوره بقره را نیز به اتمام نمی‌رساند. از اوایل جلد دوم هم سوره آل عمران آغاز می‌شود.

## آیا این کار کاری گروهی محسوب می‌شود؟

کار به جز آن ۴۰، ۵۰ صفحه اول که یاد شد، به تصحیح خود من انجام شده همچنین تشخیص درست و نادرست، حرکت گذاری‌ها، شکل دادن به متن، یادداشت برداری‌ها، به استثنای برخی یادداشت‌هایی که آقای دکتر حائری انجام داده‌اند و نیز به استثنای تنظیم و سندبایی و شناسایی شاعران شعرهای فارسی متن که آقای دکتر دانش‌پژوه تنظیم کرده‌اند، همه کار به عهده خود من بوده است.

## این کار چه فهرست‌هایی با خود خواهد داشت؟

بی‌هیچ تردید این کار فهرست‌های گوناگونی خواهد داشت، حتی فهرست واژگان دستوری نیز خواهد بود زیرا کارهای دستوری ویژه‌ای در این متن هست. از نظر واژگان کهن که در این متن به کار رفته، نیز فهرست جداگانه‌ای با روش خاص خودم خواهد داشت.

## رسم الخط مؤلف به چه گونه است؟

از آنجا که از خط مؤلف نشانی در دست نیست، من خط میبیدی را ندیده‌ام. حتی روانشاد حکمت نیز از شیوه نگارش و خط مؤلف گزارشی نکرده‌اند.

## نسخه‌هایی که شما در این کار داشته‌اید چه

نسخه‌هایی است؟

در این کار پژوهشی که کارفرمای آن دانشگاه علامه طباطبایی است نسخه‌های خطی بسیاری مورد استناد است. ولی از آن میان نسخه‌های کامل و درست و بهنجار کم است. در

این میان خوشبختانه دو نسخه خوب و کامل در اختیار من است که در مقدمه کتاب مشخصات کامل تمام نسخه‌ها را خواهم آورد. ولی در حال حاضر نسخه‌هایی را که می‌توانم درباره آنها سخن بگویم اینها است: تمام نسخه‌های مرحوم حکمت که در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است در اختیار من است. نسخه‌ای دیگر که در حال حاضر در دست دارم نسخه‌ای است از کتابخانه مجلس و این نسخه، خلاصه‌ای از تفسیر کشف‌الاسرار را دربر دارد. یکی از نسخه‌های مرحوم حکمت هم نسخه‌ای است که فقط سوره آل عمران را دربردارد و این نسخه هم خلاصه است. یعنی در میان نسخه‌هایی که من دارم، دو نسخه خلاصه تفسیر کشف‌الاسرار است.

دو نسخه کامل در میان نسخه‌های شادروان حکمت هست که دربردارنده همه قرآن و همه کشف‌الاسرار است و از نسخه‌های مهم این کار است. یکی از این دو، نسخه «الف» من است که نسخه‌ای است بسیار دقیق، بسیار خوب با خطی ریز و با برخوردار بودن از نسخه‌نویس فاضل از موزه توپ‌قاپو سرای ترکیه. متأسفانه تنها در حدود ده برگ به صورت یک برگ در میان از آغاز جلد اول کسری دارد که نمی‌دانم در عکس‌برداری این مشکل پیش آمده یا در اصل نسخه نبوده است. در سفری که به ترکیه داشتم نیز همکاری خوبی انجام نشد و نتوانستم نسخه را ببینم و هنوز طی درخواست از اشخاص متعدد نیز به نتیجه نرسیده‌ام.

نسخه کامل دیگر، نسخه ینی جامع سلطان احمد است که آن هم از ترکیه است. این نسخه را استاد حکمت نسخه اساس خود قرار داده‌اند و گفته‌اند که قدمت این نسخه بیشتر است ولی به گمان من چنین نیست و لغزش‌های بسیاری نیز در این نسخه هست. اما از آنجا که این نسخه، نسخه کامل تفسیر میبیدی است و از آغاز تا انجام قرآن را دربر دارد، لذا از اهمیت زیادی برخوردار است و به نام نسخه «ب» کار من. نسخه دیگری نیز استاد حکمت دارند که از استاد محیط طباطبائی گرفته‌اند که اکنون در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود. ولی من ۶ نسخه را خود فراهم کرده‌ام که مرحوم حکمت نیز از اینها خبر داشته‌اند ولی من ندیده‌ام که ایشان در کار خود از این نسخه‌ها استفاده کرده باشند. در دانشگاه تهران هم این نسخه‌ها جزء نسخه‌هایی که مرحوم حکمت به دانشگاه داده‌اند نیست. از این نسخه‌ها دو نسخه از کتابخانه مجلس است که مسؤولان محترم این کتابخانه با نهایت همکاری و محبت به من اهدا کرده‌اند. دیگری نسخه مدرسه عالی سپهسالار است که الان به آن، مدرسه شهید مطهری می‌گویند. این نسخه را نیز به همت همکاران کتابخانه مجلس به دست آوردم. دو نسخه را نیز

از مشهد تهیه کردم که یکی از آنها به نام «د» است که در جلد اول و اوائل جلد دوم به پایان رسانده‌ام. این نسخه نسخه‌ای بسیار آشفته است هرچند که من تا پایان از آن استفاده کردم. نسخه‌ای بسیار نفیس دیگر که گویا نفیس‌ترین نسخه کشف‌الاسرار است ولی ناقص در کتابخانه آستان قدس است که با زحمت و سختی فراوان و به همت دوست عزیزم آقای دکتر محمد فاضلی استاد دانشگاه مشهد و همکارانش در کتابخانه آستان قدس فراهم آمد. یک نسخه مهم دیگر نسخه «پ» است که از اواخر جلد اول به دست من رسید که نسخه کتابخانه گنج بخش پاکستان است. این نسخه به همت همکار بسیار عزیزم، آقای دکتر ایران‌زاده یکی از مسئولان و نمایندگان فرهنگی ایران در آن کشور به دست من رسیده. این نسخه بسیار اهمیت دارد هرچند تنها حدود یک سوم قرآن را دربردارد. نسخه فوق از نظر درستی، اهمیت و قدمت در حد نسخ «الف» است. من از این نسخه بسیار استفاده کرده‌ام و خواهم برد. بنابراین، این ۶ نسخه را من خود فراهم کرده‌ام که در اختیار مرحوم حکمت نبوده هرچند از آن‌ها مطلع بوده‌اند: ۲ نسخه از مجلس شورای اسلامی، ۱ نسخه از مدرسه سپهسالار، ۲ نسخه از کتابخانه آستان قدس و یک نسخه هم از پاکستان.

### در مجموع نسخه‌های مورد استناد شما چه تعداد خواهد بود؟

بیش از دوازده نسخه خواهد بود.

### آیا تاریخ کتابت نسخه‌ها مشخص است؟

تاریخ کتابت نسخه‌های «الف» و «پ» تقریباً مشخص است. نسخه «الف» در حدود ۶۷۰ یعنی یک و نیم قرن بعد از نوشته شدن کتاب و کتابت نسخه کتابخانه گنج بخش هم نزدیک به همان زمان نسخه «الف» است.

### آیا تصاویر نسخه‌ها هم ضمیمه کار خواهد بود؟

به طور قطع. شاید همه نسخه‌ها بیاید ولی بی هیچ گمان و تردید، تصویر نسخه اساس و نسخه‌های درست‌تر خواهد آمد.

### آیا امکان چاپ عکسی نسخه وجود نداشت؟

نه، زیرا بیشتر نسخه‌ها کامل نیست و برخی از صاحبان نسخه‌ها از من خواسته‌اند که تنها در تصحیح از آنها استفاده کنم و حق چاپ عکسی ندارم.

### آیا در هر جلد حدودی برای تعداد صفحات در نظر



گرفته شده است؟

بله، تقریباً مشابه کار مرحوم حکمت است و اندازه و قطع جلد نیز وزیری است.

**آیا در تصحیح خود از تصحیح مرحوم حکمت نیز استفاده می‌کنید؟**

بله، همین طور است و تصحیح ایشان پایه کار من قرار گرفته، ولی با تفاوت‌های بسیار.

**آیا اقوال خود خواجه عبدالله در این تفسیر مشخص است؟**

در نوبت سوم، میبیدی در بیشتر جاها که سخنی از خواجه عبدالله آمده با آوردن عنوانی مانند «پیر طریقت چنین گفت» عین گفته‌اش را آورده است. آنجایی که من مطمئن هستم این گفته از پیر طریقت است و دست نخورده، برجسته کرده و در گیومه آورده‌ام.

**یعنی به نظر شما می‌توان اقوال خواجه را به عنوان کاری جداگانه از تفسیر میبیدی استخراج کرد؟**

بله می‌توان ولی فقط در نوبت سوم تفسیر، این اقوال موجود است.

**آیا شأن نزول آیات و احادیث هم در این تفاسیر موجود است؟**

بله، همه کارهایی که در یک تفسیر مفصل انجام گرفته مثل تفسیر ابوالفتوح رازی که از تفسیرهای بزرگ زبان فارسی است و اتفاقاً به میبیدی نیز نزدیک است، همه در نوبت دوم تفسیر میبیدی نیز آمده، منتها در نوبت سوم کارهایی انجام گرفته که در دیگر تفاسیر نیست.

**در واقع ویژگیهای این تفسیر به جهت بخش سوم آن است.**

بله بخش سوم و البته به همراه بخش اول، بخش اول را ابوالفتوح رازی هم دارد که آن ترجمه آیات و کلمات است که زیر کلمات آمده، ولی برگردان همه کلمات در خود متن تفسیر، مخصوص خود میبیدی است.

**تفاوت کار شما با کار آقای حکمت در چیست؟**

نخست باید با صراحت به این نکته اساسی بپردازم که اگر روانشاد حکمت کار بزرگ احیای کتاب کشف‌الاسرار را انجام

نمی‌داد، دست کم، من نمی‌توانستم به این کار بپردازم. بنابراین من در تصحیح این کتاب وامدار خدمات علمی و خدمت این مرد بزرگ هستم، زیرا ایشان با همه گرفتاری‌هایی که این متن دارد، دارای آنچنان درک و دریافت علمی بالایی بوده که ارزش این کار را می‌دانسته و با همت و رنج بسیار این نسخه‌ها را فراهم آورده و گروهی را هم مأمور این کار کرده تا این کار بزرگ به سامان رسیده و کتاب چاپ شده است.

اما با اینهمه بزرگی که این کار استاد حکمت دارد باز به صراحت می‌گویم که این کتاب تصحیح نشده بلکه تنها جمع آوری و چاپ شده است. نه تنها این کتاب تصحیح نشده بلکه دست کاری‌های فراوانی نیز در آن شده که من، هم در مقدمه گفته‌ام و هم در متن نشان خواهم داد. این مسئله به این معناست که گروهی که عهده‌دار این کار بوده‌اند، به صورت ذوقی کلمه‌ای را به کلمه دیگر تغییر داده‌اند مثلاً در متن کلمه‌ای اضافه شده که در هیچ یک از نسخه‌های در دست مرحوم حکمت نبوده، این در حالی است که در کار تصحیح، ما اجازه این کار را نداریم، تا حدی که من در همین کار چنانچه غلطی در متن ببینم در خود متن آن را تصحیح نمی‌کنم و سعی می‌کنم در پانویس به توضیح آن بپردازم. بنابراین با همه بزرگی و شایستگی که کار مرحوم حکمت دارد و با همه حقی که بر گردن مصححان دیگر دارد، این نکته نیز به عنوان بیان یک حقیقت علمی باید گفته شود که این کتاب تصحیح نشده و به گمان من این تصحیح که اکنون انجام می‌گیرد، می‌تواند عنوان تصحیح به خود بگیرد.

**این کتاب چه زمان چاپ خواهد شد؟**

براساس آئین‌نامه پژوهشی که دانشگاه دارد، چاپ اول کتاب که عنوان کار تحقیقی دارد و دانشگاه هزینه‌ای را در برابر این کار پژوهی متحمل شده، در اختیار دانشگاه علامه طباطبائی خواهد بود. ولی من علاقه‌مندم که اگر مرکز پژوهشی میراث مکتوب همت کند و مایل باشد و آئین‌نامه دانشگاه نیز این امکان را داشته باشد، در چاپ این کتاب سهم داشته باشد تا با کندی طبیعی که در کار چاپ دانشگاه‌ها وجود دارد، از این راه، در چاپ آن تسریع شود. چنانچه مرکز پژوهشی میراث مکتوب مایل به این همکاری باشد، من به حق تألیف هم فکر نمی‌کنم و تنها به فکر چاپ این کتاب هستم. هم اکنون جلد اول کتاب آماده است و چنانچه پذیرفته آید، من ظرف یک ماه کتاب را آماده ارسال به چاپخانه خواهم کرد.